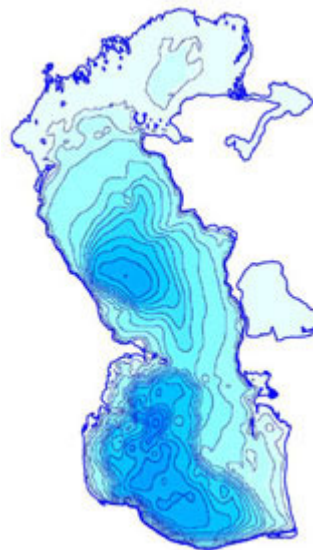


سهم ما از دریای خزر

مسئله رژیم حقوقی دریای خزر و تسهیم ذخایر و منافع این دریا که تا قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی یک مسئله دوجانبه بود، پس از فروپاشی شوروی و تجزیه آن، به یک مسئله پنج جانبه، و در واقع بین‌الدولی، تبدیل شد.

اینک دقیقاً هجده سال از فروپاشی نهایی نظام سوسیالیستی شوروی می‌گذرد، اما علی‌رغم سپری شدن این زمان طولانی، مسئله رژیم حقوقی دریای خزر همچنان بلا تکلیف مانده است. بحر کاسپین، دریای مازندران یا دریای خزر، در واقع دریاچه بسته‌ای است که به دلیل بزرگی و وسعتش به عنوان بزرگترین دریاچه جهان، کمتر به عنوان دریاچه از آن یاد می‌شود. وسعت بسیار زیاد خزر، در کنار عمق بسیار زیاد در بعضی از مناطق آن، خزر را به یکی از عجایب جهان تبدیل کرده است. دریاچه خزر پس از دو دریاچه «بایکال» (Baikal) در سبیری روسیه، و «تانگانیکا» (Tanganyika) در افریقا، عمیق‌ترین دریای بسته جهان نیز هست. عمق دریای خزر در بعضی نقاط به بیش از هزار متر می‌رسد.



در نقشه فوق آبی پررنگ‌تر نشان‌دهنده عمق بیشتر آب است و همان‌گونه که ملاحظه می‌شود بیشترین عمق آب در سمت ایران قرار گرفته است و شاید حداقل یکی از مهم‌ترین دلایل بلا تکلیف ماندن رژیم حقوقی دریای خزر نیز همین عمق آب در طرف ایران باشد.

بیشترین میادین نفتی و گازی که تاکنون در دریای خزر مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند در آبهای کم عمق این دریا قرار داشته‌اند. حتی بعضی از میادین نفتی مربوط به قزاقستان در آبهای چنان کم عمقی قرار دارند که چند ماه از سال حالت نیمه منجمد پیدا می‌کند و یا یخ می‌زند و امکان فعالیت‌های حفاری و بهره‌برداری از بین می‌رود و شرکت‌های نفتی برای اینکه بتوانند در تمام سال فعالیت داشته باشند،

خاک‌ریزی کرده‌اند و خشکی و یا جزیره مصنوعی ایجاد کرده‌اند. تنها فاز دوم توسعه میدان گازی «شاه‌دیز» در آبهای عمیق است که البته آنهم در عمق سیصد تا چهارصد متر قرار دارد. در سمت ایران، شناخت از ذخایر زیر بستر دریای خزر برای اینکه چه نوع رژیم حقوقی انتخاب شود، بسیار تعیین کننده است و شناخت از ذخایر زیر بستر نیز مستلزم اکتشاف و حفاری در آبهای عمیق است.

فناوری حفاری چاه‌های نفت در آبهای عمیق، یک فناوری نوین و پیچیده است که در اختیار معدودی از شرکت‌های بزرگ نفتی قرار دارد. این فناوری نیازمند دکل‌های حفاری نیمه‌شناور و تجهیزات پیشرفته و گران قیمت است که به دلیل بسته بودن دریای خزر، امکان انتقال آنها از سایر نقاط وجود ندارد و لزوماً باید در کنار دریای خزر مونتاژ شوند و این مسأله هزینه‌ها را بسیار افزایش می‌دهد. علاوه بر این بسته بودن دریا، هزینه‌های بالاسری عملیات اکتشاف و حفاری را نیز افزایش می‌دهد. بهره‌برداری از آنچه برای دریای خزر ساخته می‌شود، محدود به دریای خزر است، در صورتی که دکل‌های حفاری و تجهیزاتی که در آب‌های آزاد بین‌المللی قرار دارند، می‌توانند به هر نقطه‌ای منتقل شده و در هر مکانی مورد استفاده قرار گیرند.

اغلب میادین احتمالی هیدروکربوری دریای خزر در سمت ایران که در مطالعات اولیه اکتشافی شناسایی شده‌اند، در آبهای عمیق قرار دارند و ریسک و هزینه بسیار بالا در این میادین در مقایسه با سایر مناطق دریای خزر و یا در مقایسه با آبهای عمیق در سایر نقاط جهان، موجب شده است که استفاده از خدمات شرکت‌های بین‌المللی نفتی، با دشواری زیادی همراه باشد، در حالی که به دلیل پیچیدگی فنی حتماً به تخصص و مهارت چنین شرکت‌هایی نیاز است. از این رو، اگر در مورد بهره‌گیری از شرکت‌های بین‌المللی نفتی در سایر مناطق نفتی کشور اختلاف نظر وجود داشته باشد، در مورد دریای خزر چنین اختلاف نظری وجود ندارد.

نامشخص بودن رژیم حقوقی دریای خزر در کنار شرایط خاص فعلی ایران در سطح جهان نیز امکان بهره‌گیری از خدمات شرکت‌های نفتی که دارای تخصص آبهای عمیق باشند را دشوار نموده است. بسیاری از این شرکت‌ها در توسعه و بهره‌برداری از میادین هیدروکربوری سایر کشورهای اطراف دریای خزر و به‌ویژه ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان، مشارکت دارند و ممکن است تمایل نداشته نباشند که با وارد شدن به یک فعالیت پر ریسک، مورد غضب سایر کشورها و شرکای خود قرار گیرند و احیاناً فرصت‌های مطلوب‌تری را از دست بدهند.

ساخت اولین دکل حفاری ایران در دریای خزر بنام «ایران‌خزر» در حدود سال‌های ۱۳۶۸ یا ۱۳۶۹ کلید خورد و نهایتاً در سال ۱۳۷۵ به بهره‌برداری رسید. اما ساخت این دکل قدری شتابزده بود و دکل

مذکور قابلیت حفاری در آب‌های عمیق را نداشت و بعد از حفر یکی دو گمانه اکتشافی، سالهاست که در اجاره کشورهای دیگر قرار دارد.

بعد از آن ساخت دکل نیمه شناور «ایران البرز» در دستور کار قرار گرفت که امکان حفاری در اعماق تا هزار متر آب را دارا می‌باشد، و اینک به مرحله پیش‌راه‌اندازی رسیده است. اما همان‌گونه که اشاره شد، بهره‌برداری از آن مستلزم استفاده از فناوری و کمک خارجی است.

برخی از کارشناسان و مدیران بر این باورند که در دریای خزر با توجه به تفاوت بارز ریسک‌ها و هزینه‌های آن در مقایسه با سایر امکانات بالقوه هیدروکربوری کشور، نمی‌توان با قراردادهایی که برای توسعه دیگر میادین منعقد شده است و مشخصاً با روش بیع‌مقابل، راه به جایی برد و سرمایه‌گذاران خارجی را جذب کرد و علت عدم استقبال شرکت‌های خارجی از فعالیت و همکاری در خزر را این مسأله می‌دانند. اما برخی دیگر بر این باورند که اتفاقاً قراردادهای بیع‌مقابل، که در واقع نوعی از قراردادهای خدماتی هستند، در جای پر ریسکی مانند دریای خزر مناسب‌تر بوده و ریسک شرکت‌های خارجی را به حداقل می‌رساند و اگر شرکت‌های خارجی از همکاری با ایران در دریای خزر، استقبال ندارند در واقع به شرایط سیاسی، رژیم حقوقی و دخالت‌های فرامنطقه‌ای در خزر مربوط است و نه نوع قرارداد.

در هر حال، امید است که مسائل نرم‌افزاری بهره‌برداری از دکل حفاری البرز، پایه‌ی مسائل سخت‌افزاری و ساخت آن جلو رفته باشد که شاهد بهره‌گیری مطلوب از آن باشیم و این سرمایه عظیم معطل نماند.

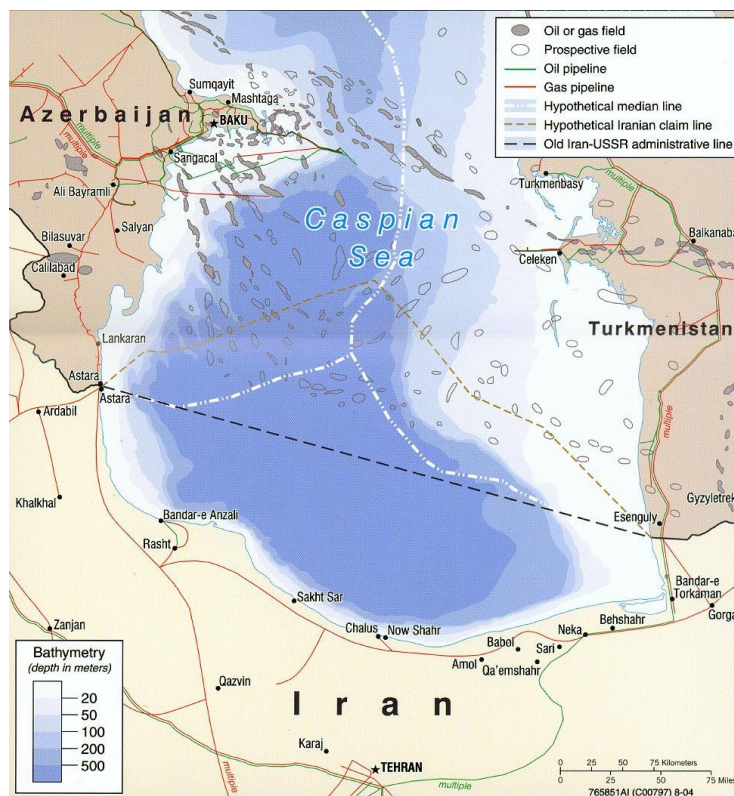
شرکت «پتروبراس» برزیل، از جمله معدود شرکت‌های نفتی دولتی است که اینک به فناوری حفاری در آب‌های عمیق دسترسی دارد و با توجه به حسن روابط دو کشور که سفر اخیر رئیس جمهوری ایران به برزیل شاهد آن است، و با توجه به نزدیکی بیشتر ساختارهای دو کشور، شاید بتوان از تجربیات آن کشور بهره گرفت.

سرعت بخشیدن به حفاری اکتشافی در میادین احتمالی نفتی آب‌های عمیق خزر در سمت ایران، از این جهت مهم است که از ذخایر بالقوه هیدروکربوری خزر در سمت خود مطلع شویم تا بتوانیم رژیم مناسب حقوقی را انتخاب کنیم. اینکه رژیم حقوقی دریای خزر در مورد نحوه تسهیم سطح و آب‌های دریا دوگانه باشد یا یکنواخت، تا حدود زیادی به میزان ذخایر ایران بستگی خواهد داشت. در رژیم دوگانه، آب خزر و سطح آن می‌تواند از نظر کشتیرانی و بهره‌برداری از آبزیان، مطابق با قواعد آب‌های بین‌المللی تقسیم شود، اما ذخائر زیر بستر مشاع تلقی شوند. شاید بعضی با ملاحظه واقعیت‌های خزر در سمت ایران و هزینه‌ها و ریسک‌هایی که به آن اشاره شد و با توجه به دست‌آوردهای

هیدروکربوری سایر کشورهای حاشیه خزر، نتیجه‌گیری خود را کرده باشند. اما ممکن است برخی دیگر نیازمند اطلاعات نهایی حفاری‌های اکتشافی باشند تا مواضع خود را اتخاذ کنند.

تأخیر ایران در روشن کردن مواضع خود در زمینه رژیم حقوقی و سایر مسائل دریای خزر، می‌تواند فرصت‌سوز باشد. اجلاس چهار جانبه رؤسای جمهوری چهار کشور حاشیه دریای خزر که در بیستم شهریورماه گذشته در شهر بندری «اوکتاو» در قزاقستان برگزار شد، نگران کننده بود. گرچه نظربایف رئیس جمهوری قزاقستان اعلام کرد که این اجلاس غیررسمی بوده و تصمیمی بدون حضور ایران اتخاذ نخواهد شد، اما در هر حال صرف تشکیل چنین اجلاسی می‌توانست هشداردهنده باشد.

نباید از نظر دور داشت که زمینه حل مناقشات و رسیدن به تفاهم در میان چهار کشور دیگر حاشیه خزر، به صورت نسبی مساعدتر از این زمینه در مورد ایران و هریک از این کشورهاست. قبل از فروپاشی نظام فدرالی اتحاد جماهیر شوروی، چهار جمهوری حاشیه شمالی دریا، جمهوری‌های مستقلی بودند و گرچه مرزهای میان آنها مرزهای سیاسی نبود، اما مرزهای اداری بود. همواره مناقشات و اختلافاتی در مورد دریای خزر و ذخایر و دیگر مسائل آن، میان این کشورها وجود داشت و یا به‌وجود می‌آمد و این کشورها البته تحت نظر دولت مرکزی شوروی و روسها، به صورت دوره‌ای می‌نشستند و مسائل فی‌مابین را حل و فصل می‌کردند و ترتیبات اداری میان خود را تعریف می‌کردند و به هر حال این سابقه زمینه‌ای را برای رسیدن آن کشورها به تفاهم فراهم کرده است. اگر چنین تفاهمی شکل گرفت، ممکن است ایران یکبار دیگر در مناسبات مربوط به دریای خزر عملاً به وضعیت دوگانه‌ی زمان شوروی سابق بازگردد.



در مورد تسهیم آبهای دریای خزر، درحالی که بعضی از کارشناسان به استناد قرارداد مودت (۱۹۲۱) و تجارت و بحریمایی (۱۹۴۰) میان ایران و شوروی سابق، حاکمیت و مالکیت دو دولت ایران و شوروی سابق را مشاع و در واقع سهم ایران را ۵۰ درصد می دانند. و برخی دیگر بر اساس خط فرضی آستاراخان_حسینقلی، و یا خط فرضی تقسیم دریا بر اساس قواعد آب‌های بین‌المللی، ارقام دیگری را مطرح می کنند. وزیرخارجۀ ایران در دی‌ماه ۱۳۸۶ برای اولین بار اعلام کرد که حیطة بهره‌برداری عملی ایران از دریای خزر هرگز از ۱۱/۳ درصد فراتر نرفته است. این رقم کمترین رقمی بود که تاکنون در این رابطه مطرح شده بود و مورد انتقادات زیادی قرار گرفت، چراکه ازطرف مقامی عنوان شده بود که از نظر عُرف حقوقی بین‌المللی، نظر او می توانست مورد استناد قرار گیرد که البته بعدها تعدیل و تصحیح شد.

در هر حال امید است مسئولان همه سازمان‌های ذیربط، و به‌ویژه وزارت‌خانه‌های امور خارجه و نفت، با هماهنگی و انسجام و پیگیری‌های منظم و بر اساس یک نگاه جامع، بلند مدت و راهبردی، کاری کنند که حقوق ایران در دریای خزر احقاق گردد و سهم عادلانه و حداکثر کننده منافع ایران در دریای خزر حاصل شود.